روزنه

محمد هاشمی:

گزارش مرگ هاشمی دست روحانی است

● **شرق:** دو سال بعد از فوت علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی خانواده‌اش همچنان درباره آن ماجرا گفت‌وگو می‌کنند؛ درباره شبهاتی که همچنان برای خاندان هاشمی مطرح است. آنها می‌گویند شورای عالی امنیت ملی پرونده را بسته، اما گزارشی به آنها نداده است. حالا محمد هاشمی درباره شبهات مربوط به فوت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، به خبرآنلاین گفته است: «در این زمینه ما هیچ‌گاه امکان بررسی نداشتیم؛ تنها آقای شمخانی در شورای عالی امنیت ملی جلسه‌ای تشکیل داده و بررسی‌هایی انجام دادند و در نهایت نتایج گزارش خود را به رئیس‌جمهور ارائه کردند».

او با بیان اینکه ما اطلاعی از کم‌وکیف این گزارش نداریم، گفته است: «تنها در این حد شنیدیم که شورای عالی امنیت ملی گزارشی را تهیه و به رئیس‌جمهور ارائه کردند».

یاسر هاشمی پیش از این از قانع‌نشدن حسن روحانی از گزارش شورای عالی امنیت ملی خبر داده و گفته بود: «من شنیده‌ام که شورای عالی امنیت ملی نامه‌ای برای رئیس‌جمهوری نوشته و ارسال کرده است، مبنی بر اینکه پرونده درگذشت آیت‌الله هاشمی در این شورا بسته شود، ولی رئیس‌جمهوری این مسئله را قبول نکرده و دوباره پرونده را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع داده است».

یاسر هاشمی با اشاره به اینکه من بعید می‌دانم که رئیس‌جمهوری به بند خاصی از گزارش ایراد گرفته باشد، گفته بود: «مطابق شنیده‌هایم کل محتوای گزارش را قبول نکرده؛ شاید به این دلیل که احساس می‌کند لازم است بررسی‌های بیشتری انجام شود».

او گفته بود: «چیزی از پرونده در اختیار ما قرار نگرفته است، اما قرار بود محسن به شورای عالی امنیت ملی برود و پرونده را مطالعه کند که احتمالا در همین هفته‌ها این اتفاق خواهد افتاد». از «هفته‌های» مورد اشاره یاسر هاشمی نزدیک به یک سال گذشته، اما یا «محسن» به شورای عالی امنیت ملی نرفته است یا رفته و گزارشی به او ارائه نشده یا شده ولی او رسانه‌ای نکرده است! محسن هاشمی هم سال گذشته و هم دو سال پیش گفته بود هم با آقای سیف‌اللهی و هم شمخانی که دارند کار را پیش می‌برند در ارتباط هستم و باید منتظر بود که آنها نظر نهایی را اعلام کنند.

اما تا این لحظه هیچ گزارشی به‌صورت رسمی درباره نتیجه این بررسی نه از سوی شورای عالی امنیت ملی و نه علی شمخانی یا رضا سیف‌اللهی رسانه‌ای نشده است.

فاطمه هاشمی هم گفته بود: «من فکر می‌کنم آن پرونده را در شورای عالی امنیت ملی، بستند و سال گذشته، آخرین‌باری که آن شورا ما را دعوت کرد، اعلام کرد این پرونده را می‌بندد. اما نمی‌دانم از ناحیه ریاست‌جمهوری یا جایی دیگر این پرونده به جریان افتاده یا نه؟ ولی من با شواهدی که در این مدت به دست آورده‌ام، مطمئن هستم که مرگ ایشان، مرگی طبیعی نبوده است».

محمد هاشمی با تأکید بر اینکه پزشکان علت فوت مرحوم را ایست قلبی اعلام کردند، گفته است: «اما مشخص نیست که علت ایست قلبی چه بوده؛ دقیقا اینجا همان نقطه ابهامی است که از همان اول وجود داشت که راجع به آن صحبتی نشد، همان شب رحلت در بیمارستان به خبرنگاران اعلام کردم پزشکان علت فوت را ایست قلبی اعلام کردند، اما اینکه علت ایست قلبی چه بوده هیچ‌وقت مشخص نشد».

ماجرای رادیواکتیو بیش از حد مجاز در بدن مرحوم هاشمی برای نخستین‌بار از سوی خانواده او مطرح شد. فاطمه هاشمی آخرین‌بار گفته است: «تنها یک بحثی را مطرح کردند که رادیواکتیو موجود در بدن ایشان بالای حد مجاز ۱۰ درصد بوده، یعنی هم ادرارشان آلوده بوده هم حوله‌ای که تنشان می‌کردند، آلوده بوده است. در آخر هم گفتند که نمی‌دانند این رادیواکتیو از کجا آمده و دلیلی هم برایش نداشتند. حتی گفتند بیشتر از این نمی‌توانند ادامه دهند. این را هم گفتند که در بدن من و مامانم هم رادیواکتیو وجود دارد. البته من به این حرف‌ها اعتقاد چندانی نداشتم و بیشتر بیان آن را ردگم‌کنی می‌دانستم. بعدها با مطالعاتی که خودم راجع به رادیواکتیو و این مسائل کردم، به این نتیجه رسیدم که این موضوع ردگم‌کنی بوده، یعنی مسئله دیگری وجود داشته ولی رادیواکتیو برای‌شان راحت‌تر بوده که مطرح کنند. در همین رابطه شاهدیم که خودشان هم در شعارهایشان اعلام کردند».

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگوی «شرق» با داوود فیرحی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

آخرین پروژه آیت‌الله

حسین جلالی: دو سال از درگذشت یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران گذشت. ۱۹ دی ۹۵ مردی روی در نقاب خاک کشید که هرچند موافق و مخالف زیاد داشت، اما کمتر کسی در تعیین‌کنندگی او شک داشت. مرگ «اکبر هاشمی‌رفسنجانی» چشم‌انداز سیاسی ایران را بیش از پیش در مه فروبرد. از آن زمان تاکنون بسیاری نبود او را تحلیل کرده و درباره فقدان شخصیتش در آینده سیاسی ایران بحث کرده‌اند. در میان اخبار مرتبط با مرگ او، خبری مانند وجود اورانیوم در خون او و همسرش بحث‌های دیگری را هم به میان آورد. شاید به‌همین‌دلیل بود که «آخرین پروژه آیت‌الله» کمتر مورد توجه قرار گرفت و دیده شد. سال گذشته، در اولین سالگرد درگذشت هاشمی بود که «داوود فیرحی»، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، به «یکی از آخرین و مهم‌ترین دستاوردهای مرحوم آیت‌الله هاشمی» اشاره و تلاش کرد این وجه از سابقه پرفرازونشیب را به مرکز توجهات بیاورد. داوود فیرحی از استادان برجسته اندیشه سیاسی معاصر است؛ پروژه علمی او، تمهید مقدمات لازم برای تأسیس دموکراسی بر پایه‌های فقه است. شیفته مجادلات فقهی مشروطه است، در آنجا امکان‌ها و فرصت‌هایی را برای جامعه امروز ایران جست‌وجو می‌کند و اغلب از بحث‌های سیاسی روز به‌دور است. شاید ازهمین‌رو بود که سخنرانی ستایش‌گونه او در اولین سالگرد درگذشت هاشمی‌رفسنجانی برخی را متعجب کرد. هاشمی‌رفسنجانی را باید در حلقه نزدیک‌ترین یاران رهبر انقلاب دانست، کسی که در تثبیت نظام سیاسی نوپا نقش بسزایی داشت و با درگذشت رهبر انقلاب، به یکی از چند چهره تعیین‌کننده بدل شد. او چهره‌ای چندوجهی است و به‌تعبیر فیرحی برای رسیدن به تحلیل درستی از او زمان لازم است تا او از «حجاب معاصرت» خارج شود. ستایش فیرحی اما ناظر بر آخرین پروژه‌ای بود که آیت‌الله دنبال می‌کرد: «آخرین تلاش مرحوم هاشمی بسط مفهوم و تأسیس بنای آزاداندیشی دینی بود». در آن سخنرانی، فیرحی

تغییر نگاه و اولویت‌های هاشمی را در مقاطع مختلف تاریخ معاصر روایت کرد. برای نمونه او پیداشدن ایده پیشرفت در هاشمی را این‌گونه روایت کرد: «ما نیروی رزمنده فداکار زیاد داشته‌ایم، اما نابرابری تکنولوژی را نباید ساده گرفت و هاشمی می‌دانست که در کنار روحیه جهادی، این ارابه‌های صنعت است که باید حرکت کند. آیت‌الله هاشمی این‌گونه اندیشید و رفتار کرد و تاوانش را هم داد و کارش را پیش برد. او باور داشت که نمی‌شود از نظام دفاع کرد، مگر با پیشرفت علمی و اقتصادی». روایت فیرحی اما ادامه دارد؛ هاشمی کمی بعد متوجه شد که «هیچ‌گونه پیشرفت اقتصادی ممکن و میسر نخواهد شد مگر با اهتمام به توسعه سیاسی». به‌این‌ترتیب است که روایت فیرحی در گام بعدی به ظهور دغدغه «آزاداندیشی» در هاشمی می‌رسد: «اختلاف مرحوم هاشمی در حوزه اجتهاد همین بود و چیزی غیر از این نبود. او دفاع از نظام و کلیت جامعه را نیازمند پیشرفت اقتصادی و توسعه اقتصادی را محتاج و مقدمه توسعه سیاسی و توسعه سیاسی را هم مدیون و مرهون آزادی فکر و اراده و انتخاب آزاد شهروندان ایرانی می‌دانست». دغدغه‌ای که سال‌ها این استاد دانشگاه را به تکاپوی نوشتن، درس‌دادن و سخنرانی می‌کشاند، حالا با دغدغه یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های نظام سیاسی هماهنگ شده و این دقیقا فرصتی بود که شاید فیرحی قدر آن را از هر شخص دیگری بیشتر می‌دانست. او در مقاله‌ای با عنوان «آواز قو» نشان می‌دهد که دغدغه آزادی و ترس از تحجر چطور در سال‌های ۸۶ به بعد در هاشمی شکل گرفت و در نهایت در سال‌های ۹۲ به فاز عملیاتی خود رسید. هاشمی برای دنبال‌کردن این مسئله ذهنی «شورای عالی آزاداندیشی دینی» را در دانشگاه آزاد تأسیس کرد تا در آنجا افرادی را که در حوزه‌های متفاوت این موضوع کار می‌کردند، گرد هم جمع کند. در دومین سالگرد مرگ این شخصیت چندوجهی، آخرین پروژه او را مدنظر قرار دادیم. شاید بعد از دو سال فرصت مناسبی باشد تا کمی تأمل کنیم که چه شد مردی که به تعبیر فیرحی «خیلی این‌طرف و آن‌طرف زد»، در آخر مسئله را در «آزادی» جست. این موضوعی است که ما را به پیش داوود فیرحی کشاند. هماهنگ‌بودن پروژه علمی او با دغدغه آخر هاشمی باعث شد او وارد «شورای عالی آزاداندیشی دینی» شود و کمیته علمی دین و دولت آنجا را بر عهده بگیرد. حالا دو سال بعد از درگذشت هاشمی، فیرحی با حسرت از «شورای عالی آزاداندیشی» می‌گوید و تأکید می‌کند: «این موضوع نباید زمین بماند». قبل از شروع گفت‌وگو این استاد دانشگاه درباره عنوان «آواز قو» و تعمیم این استعاره به هاشمی گفت: «می‌گویند «قو» پرنده‌ای است که وقتی دارد می‌میرد، تنها می‌شود و کوتاه‌ترین و زیباترین آوازش را می‌خواند. می‌گویند اندیشمندان یا فعالان سیاسی آخرین کار یا نوشته‌هایشان حاصل عمرشان است؛ به آن می‌گویند «آواز قو». مثلا مسعودی تاریخی دارد -تاریخ مسعودی- که حجیم است، اما یک کار کوچک دارد به اسم «التنبیه و الاشراف». می‌گویند «التنبیه و الاشراف» آواز قوی مسعودی است. یا مثلا «مقدمه» آواز قوی ابن‌خلدون است. اینها آخرین کارهای آنهاست. من این را آنجا برای آقای هاشمی به کار بردم».

به‌نظرتان استعاره «آواز قو»، برای هاشمی هم مصداق دارد؟

به‌نظر این‌طور می‌آمد. هاشمی این‌ور و آن‌ور خیلی زد و در آخر به این نتیجه رسید که ما باید به آزادی فکر کنیم. این خیلی مهم است. آدمی که مدت‌ها به انقلاب، اقتدار و خیلی چیزهای دیگر فکر کرده بود، آخر به این نتیجه رسید که چیزی که بیشتر باید به آن برگردیم آزادی است.

شما با برجسته‌کردن برخی از صحبت‌های آقای هاشمی نشان دادید که دغدغه آزاداندیشی و ترس از بازگشت تحجر از اواسط دهه ۸۰ در مرحوم هاشمی به‌وجود آمد و بالاخره در سال ۹۳ این دغدغه به نهادی ذیل هیئت امنای دانشگاه آزاد تبدیل شد. در آنجا این دغدغه به یک پروژه تبدیل شد با نام «شورای عالی آزاداندیشی دینی». درباره حلقه اول و نحوه جذب افراد توضیح می‌دهید؟

آن‌طورکه من یادم هست، آقای هاشمی این ایده را مدت‌ها داشت. حتی یک بار متنی نوشت که در مجله حوزه چاپ شد. ایشان آنجا هم به مفهوم آزاداندیشی پرداخته بود. به‌نظرم این‌طور می‌آید که آقای هاشمی به‌تدریج به این نتیجه رسیده بود که رابطه دین و آزاداندیشی یک بحث جدی در جامعه است، چراکه رابطه دین و اقتدار خیلی پیش می‌رفت و تلقی عمومی هم این است که دین به‌جای اینکه رهایی‌بخش باشد، دست‌وپاگیر است. این بحثی بود که ذهن آقای هاشمی را درگیر کرده بود. آقای هاشمی تصور می‌کرد نجات دولت هم به تعیین‌شدن در این حوزه‌ها برمی‌گردد. به این ترتیب آقای هاشمی به‌تدریج ایده خودش را دنبال کرده بود.

هاشمی می‌گفت می‌توان آزادی را کاشت؛ یعنی باید نهادهایی برای مهیاکردن زمینه آن به‌وجود آورد و نباید به انتظار نشست تا آزادی خودبه‌خود شکل بگیرد. این شورا هم کارش تمهیدی بود. درواقع [نگاه هاشمی به موضوع آزاداندیشی] Passive نبود که منتظر باشد آزادی در یک پروسه طولانی شکل بگیرد

یک روز یادم هست که آقای یونسی، وزیر اطلاعات اسبق (دوره آقای خاتمی)، به من گفت آقای هاشمی دوست دارد دبیری برای این شورا داشته باشد؛ چون حرفش را آقای هاشمی زیاد می‌زد. من فرصتی نداشتم و امکانی هم نبود که چنین کاری داشته باشم.

این پیشنهاد قبل از تشکیل شورا مطرح شده بود؟

هنوز شورای عالی شکل نگرفته بود. سرانجام آقای هاشمی شخصی به نام آقای دکتر لطفی را به‌عنوان دبیر شورای عالی آزاداندیشی دینی در نظر گرفت. جلساتی تشکیل شد. این جلسات با اشراف کامل خود آقای هاشمی برگزار شد. این جلسات ترکیبی بود از تعداد زیادی از استادان. جالب این است که این جلسات در چند کمیته بود؛ یکی کمیته دین و دولت بود، یکی فقهی و حقوقی بود، یک کمیته هم بنا بود در حوزه زنان باشد و... . ساختار هم این‌طوری، به‌تدریج و با اشراف خود آقای هاشمی شکل می‌گرفت که یک شورای عالی وجود داشته باشد و یک‌سری کمیته‌های علمی و یک نهاد اجرائی که دبیر آن را دنبال می‌کرد. نحوه فعالیت هم این‌طور بود که این کمیته‌ها بحث‌هایی را مطرح می‌کردند. این بحث‌های در حضور آقای هاشمی هم مطرح می‌شدند. اولین جلسه هم برای ما بود، یعنی جلسه کمیته دین و دولت؛ یعنی بحث آزاداندیشی در این حوزه. ایده دیگری هم شکل گرفت که اصلا یک‌سری واحد درسی تعریف شوند و این واحدهای درسی به‌جای دروس عمومی انتخاب شوند. بعد از این بود که در دانشگاه‌های آزاد مراکز استان‌ها کارگاه‌هایی برگزار شد. زیاد بود ولی من چند جا را بیشتر نرفتم. ایشان تصمیم گرفت به‌خاطر تقدس و یمنی که مشهد دارد، از مشهدالرضا این نشست‌ها را آغاز کنند.

همان کارگاه‌ها؟

بله همان کارگاه‌ها. درسگفتارهایی تعریف شدند و کارگاه‌هایی برای استادانی که داوطلب تدریس این درس‌ها بودند برگزار شد تا به آنها کمک شود و این ایده به دل دانشگاه‌ها برود. این دومین کار و غیر از آن کاری بود که کمیته‌های علمی انجام می‌دادند، البته از همین کمیته‌ها در این کار کمک گرفته می‌شد.

پس این‌طور بود، اول تشکیل این کمیته‌ها، دوم کارگاه‌ها و درسگفتارها در استان‌ها که از مشهد شروع شد. خود مرحوم آقای هاشمی هم برای افتتاح آن به مشهد آمد. من و دوستان دیگر هم بودیم. مدیر آقای لطفی بود. دقیق یادم نیست اما فکر کنم نزدیک به سه، چهار روزی این جلسات ادامه داشت. در جاهای دیگر هم چنین اتفاقی افتاد؛ مثل ارومیه و شمال. ایشان به‌دنبال این بودند که این گفت‌وگوها به سمت واحد درسی‌شدن بروند.

ایشان فضایی به ذهنشان آمده بود و دوستان هم کمک کردند که این موضوع تعریف بشود که به پایان‌نامه‌های این حوزه نیز امتیاز داده شود. حتی ایده‌ای بود که این کار در قالب پژوهشکده دنبال شود. اینها ایده‌هایی بود که به وجود آمده بودند. حتی عده‌ای پیشنهاد می‌دادند که یک رشته راه‌اندازی کنند که آن‌طوری که یادم هست، خیلی از آن استقبال نشد. در این شورای عالی خیلی‌ها بودند؛ مثلا آقای محسن غرویان و آقای ایازی از قم بودند، اگر اشتباه نکنم آقای مهریزی بودند. از استادان دانشگاه هم آقای دکتر محمدرضا بهشتی بود. از خانم‌ها فکر می‌کنم که یکی، دو بار، خانم فاطمه طباطبایی، عروس امام هم در جلسه آمدند. آقای طه هاشمی، معاون فرهنگی دانشگاه آزاد و معاون مالی، آقای رهنما هم بودند، چراکه برخی از موارد را باید به‌لحاظ مالی پشتیبانی می‌کردند، آقای هاشمی هم به‌شدت در این قسمت حمایت می‌کردند. کار دیگری که شورا انجام می‌داد، سفارش متن بود؛ یعنی تولید کتاب. دو، سه مورد هم کار شده بود، حتی پیش‌پرداخت‌هایی هم انجام شد. الان نمی‌دانم به کجا رسیده‌اند. بنابراین کمیته‌های علمی، کارگاه‌ها و واحدهای درسی به عنوان دروس عمومی و پیشنهاد پژوهشکده بود که البته شکل نگرفت؛ هرچند در مسیر بود. یکی دیگر هم سفارش تولید متن بود.

این اعضایی که برشمردید عضو خود شورای‌عالی بودند؟

بله. در کمیته علمی دین و دولت تعداد زیادی بودند. دکتر نقیب‌زاده بود، آقای تاجیک بود که چندباری آمدند. مرحوم قانعی‌راد بود. آقای بهشتی از دانشکده فلسفه بودند. از دانشگاه آزاد هم اگر اشتباه نکنم خانم سپهرنیا و آقای مطهرنیا و آقای طه هاشمی حضور داشتند.

شما هم عضو کمیته دین و دولت بودید و هم عضو شورای‌عالی؟

بله. کار کمیته‌ها این‌طور بود که یک موضوعی را برجسته می‌کردند. بین خودشان گفت‌وگو می‌کردند و کسانی را که بیرون بودند، دعوت می‌کردند. بعد که بحث‌ها به نتیجه می‌رسید، این را با حضور آقای هاشمی و تعداد زیادتری از حضار ارائه می‌دادند. ظاهرا گفت‌وگوهای دو کمیته به نتیجه رسیده بود که یکی همین کمیته دین و دولت بود. محتوا مربوط به بحث‌های نائینی بود و رابطه آزادی و دولت در مشروطه که من ارائه دادم و دوستان هم روی آن فکر کردند.

آقای یونسی در شورا نبودند؟

آقای یونسی هم در شورا بودند و هم در کمیته دین و دولت. آقای یونسی جزء حلقه‌های اولیه بود. کمیته‌های اجرائی کوچکی هم شکل گرفته بود تا شاید کمکی بکند که آنجا هم آقای یونسی بود.

کل این ایده‌ها، درسگفتارها و کارگاه در این دو سال شکل گرفت؟

بله در این یک‌سال‌ونیم، دو سال.

در مقایسه با شوراها و اندیشکده‌هایی که تجربه کرده‌اید، «شورای‌عالی آزاداندیشی دینی» فعال‌تر بود؟

ببینید مهم این است که شخصی مثل آقای هاشمی به این نتیجه رسیده بود که چنین بحثی را پیگیری کند و پشت آن هم ایستاده بود. آقای هاشمی به اینجا فقط به‌عنوان یک مرکز فکر نگاه نمی‌کرد. آقای هاشمی یک استراتژیست بود. دنبال این بود که چطور یک ایده را پررنگ کند و برای آن اجماع درست کند تا بعد، بتواند آن را به یک بدنه دانشجویی برساند. چنین ایده‌ای در ذهنش بود. این‌طور نبود که آقای هاشمی فقط اهل گفت‌وگو باشد.

در سخنرانی سال گذشته شما در مسجد جامع زنجان و همچنین در مقاله «آواز قو» که برای مرحوم هاشمی نوشتید، به‌نظر می‌رسید که وجه دغدغه‌مندی ماجرا را پررنگ کرده بودید؛ یعنی به تعبیر شما آقای هاشمی در پنجمین مرحله زندگی سیاسی‌اش به اهمیت آزادی رسیده بود و می‌خواست این را به‌نحوی پیگیری کند. به نگاه شما البته نقدهایی شد که خود شما یکی را در کانال شخصی‌تان منتشر کردید. آن نقد تأکید می‌کرد که هاشمی نه به‌خاطر یک دغدغه نظری، بلکه برای پروژه‌ای سیاسی بود که می‌خواست آزادی را برجسته کند؛ برای مقابله با گفتمان‌های رقیب.

ممکن است آن‌طور هم باشد، اما بالاخره برای آقای هاشمی دغدغه‌ای فکری بود. ببینید فرقی که یک استراتژیست و مدیر اجرائی با یک متفکر محض دارد این است که فقط به این نتیجه نمی‌رسد که در عالم نظر چیزی پیدا کند، بلکه به این نتیجه می‌رسد که چطور آن را اجرا کند و به سطح وسیع‌تری ببرد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تأخیر در ساخت‌وسازها:** مدت‌هاست مقابل متروی شهدا، مسدود و در حال ساخت‌وساز هستند. نمای محل زشت، بدمنظر و دلگیر است. چرا ساخت‌وسازها با تأخیر انجام می‌شود؟

سمیه پارسایی

● **مشکل کاغذی تا کی؟** آیا کشور ما هنوز به آن مرحله از خودکفایی نرسیده است که برای چاپ روزنامه و مجلات کاغذ تولید کند تا وابسته به کشورهای بیگانه نباشیم و مشکل کاغذی مطبوعات رفع شود؟

بنیامین عباس‌زاده

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران:** احتراما، با توجه به درج پیام مردمی با موضوع «کارتن‌خوابان را دریابید» در مورخه ۹۷/۱۰/۹ خواهشمند است نسبت به چاپ جوابیه سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی اقدام لازم را معمول فرمایید. «سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در حوزه جذب و ساماندهی کارتن‌خواب‌ها، افراد بی‌سرپناه شهر تهران با استفاده از ۳۵ گشت فوریت اجتماعی نسبت به ارائه خدمت و راهنمایی افراد آسیب‌دیده به گرمخانه‌های موجود در سطح شهر اقدام می‌نماید. با توجه به آغاز فصل سرد سال با افتتاح و راه‌اندازی یک گرمخانه زنان در منطقه۱۲ و گرمخانه‌های اضطراری مناطق فعالیت خود را در این دوره افزایش داده است. شهروندان عزیز تهرانی می‌توانند با مشاهده افراد کارتن‌خواب و بی‌سرپناه در طول شبانه‌روز با سامانه ۱۳۷ تماس حاصل نمایند و با ذکر نشانی دقیق این افراد نوع درخواست خود را به کارشناسان این سامانه اعلام نمایند تا در اسرع وقت نسبت به ارائه خدمت به بی‌سرپناهان شهر اقدام لازم صورت پذیرد. قطعا اطلاع‌رسانی رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در این خصوص جهت آگاهی بیشتر شهروندان از خدمات سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران سبب خواهد شد کمک به افراد آسیب‌دیده هرچه سریع‌تر انجام گردد».